تقویم دفاع

«دی» ماه پر حادثه در دفاع مقدس

روزهای سرخ در آغازین ماه زمستان ۶۵

■ غلامحسین بهبودی

دی ماه یکی از سخت‌ترین و در عین حال عجیب‌ترین ماه‌های دوران دفاع مقدس است. در این ماه دو عملیات بزرگ کربلای ۴ و ۵ در سال ۶۵ انجام گرفت. تقریباً می‌توان گفت تمامی روزهای این ماه، آبستن حوادث بسیار سختی در دفاع مقدس بود. از سوم دی تا پنجم همین ماه عملیات کربلای ۴ انجام گرفت و دو هفته بعد نیز کربلای ۵ در ۱۹ دی ماه آغاز شد. بررسی شرایط آن روزهای کشور و جبهه‌ها در دی ماه سال ۶۵ را پیش‌رو دارید.

■ **یک سال پس از والفجر ۸**

بررسی ورود ایران به سال ششم جنگ (۱۳۶۵) بدون نگاه و بررسی عملیات والفجر ۸ امکان‌پذیر نیست. در واقع اگر عملیات والفجر ۸ انجام نمی‌شد، شاید کربلای ۴ و ۵ نیز انجام نمی‌گرفتند. والفجر ۸ و فتح فاو در حالی انجام گرفت که ایران از سال ۶۱ اقدام به ورود به خاک عراق کرده بود، اما غیر از تصرف جزیره مجنون در عملیات خیبر، پیروزی خاصی تا قبل از والفجر ۸ کسب نشده بود. وقتی در زمستان سال ۶۴ ایران توانست فاو را فتح کند و دسترسی عراق به خلیج فارس را تا حد زیادی از بین ببرد، فرماندهان جنگ (چه فرماندهان سیاسی و چه فرماندهان نظامی) به این باور رسیدند که باید در سال بعد (۱۳۶۵) یک اقدام اساسی برای تعیین سرنوشت جنگ انجام گیرد.

■ **تداوم فتوحات فاو**

در عملیات کربلای ۴ قرار بود فتوحات عملیات والفجر ۸ تکمیل شود و رزمندگان از جنوب بصره تا فاو را تحت کنترل خود درآورند. در این صورت تنها کانال عراق از ام القصر تا خلیج فارس که تنها راه باقیمانده این کشور به آب‌های آزاد بود نیز قطع می‌شد. کربلای ۴ می‌توانست یک ضربه اساسی به بعثی‌ها وارد کند. بنابراین برای این عملیات تمهیدات زیادی نیز اندیشیده شده بود. تعداد گردان‌های شرکت کننده بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ گردان در نظر گرفته شده بود که به نسبت عملیات بزرگ گذشته، یک تحول مثبت به شمار می‌رفت. اما نکات منفی این عملیات حداقل به نسبت والفجر ۸ این بود که حفاظت عملیات آن طور که باید رعایت نشد و در نهایت نیز هوشیاری دشمن و لو رفتن عملیات منجر به عدم الفتح در کربلای ۴ شد.

■ **ایستادگی بر اهداف اولیه**

کربلای ۴ از روز سوم دی ماه آغاز شد و تا پنجم دی ۱۳۶۵ یکی از کوتاه‌ترین عملیات دفاع مقدس بود، چراکه لو رفتن این عملیات باعث شد فرماندهان به سرعت دستور بازگشت نیروها را بدهند تا از تلفات بیشتر رزمندگان جلوگیری شود. اما چون سال ۶۵ سال سرنوشت ساز جنگ بود و از طرف دیگر تمهیدات بسیاری برای تشکیل گردان‌های رزمی جدید اندیشیده شده بود، فرماندهان به سادگی از قضیه عبور نکردند و تصمیم گرفتند عملیات دیگری انجام دهند. در واقع ایستادگی بر اهداف اولیه شروع عملیات کربلای ۴ که روشن شدن تکلیف جنگ بود، باعث شد عملیات کربلای ۵ دو هفته بعد از اتمام کربلای ۴ آغاز شود.

کربلای ۵ بر اساس یکی از محورهای عملیات کربلای ۴ به سرعت طرح‌ریزی و اجرا شد. در کربلای ۴ دو تیپ از سپاه مأمور بودند با عبور از سنگرهای نونی شکل به شلمچه نفوذ کنند و حالا این محور ایذایی تبدیل به محور اصلی کربلای ۵ شده بود.

در تاریخ ۱۹ دی ۱۳۶۵ نیروهای ایرانی دوباره در مناطق عملیاتی تجمع کرده و این‌بار فشار اصلی را روی دژ شلمچه وارد کردند و با نفوذ به این دژ مناطق حساسی را تا حومه بصره به تصرف درآوردند. هرچند کربلای ۵ به خونین‌ترین عملیات کل دوران دفاع مقدس تبدیل شد و با تقدیم هزاران شهید، تک‌تک روزهای «دی ماه» نام صدها شهید را در دیباچه خود به ثبت رساند.

نگاهی به وصیتنامه شهید مهدی نعمتی از شهدای تجاوز رژیم صهیونیستی در گفت‌وگوی «جوان» با برادر شهید

راهگشا بود و خدا هم راهش را تا شهادت باز کرد

شهید نعمتی (سمت راست) در کنار شهید پاشاپور از فرماندهان مدافع حرم

■ یک سحرگاه پرفیض

زمانی که جنگ با داعش و گروه‌های تروریستی در سوریه و عراق در اوج قرار داشت، شهید نعمتی چند بار به سوریه اعزام شد. او وصیتنامه خود را قبل از یکی از همین اعزام‌ها نوشته بود. ابتدا هم ذکر کرده بود قبل از «اعزام مجدد» این وصیتنامه را می‌نویسد. در سحرگاه روز پرفیض عرفه که شهید نعمتی به گرامیداشت این روز و شرکت در دعای عرفه توجه زیادی داشت.

مهدی در وصیتنامه‌اش نوشته بود: «در سحرگاه روز پرفیض عرفه در آستانه اعزام مجدد به سوریه جهت دفاع از اسلام و راه ائمه معصومین (ع)، وصیتنامه خود را به این شرح تقدیم می‌نمایم: از خداوند کریم سپاسگزارم که به این عبد عصیانگر خود با لطف و کرم توفیق شرکت مجدد در میدان جهاد را عطا فرمود و امیدوارم خون بی‌ارزش این بنده گناهکار زمینه ظهور حضرت امام زمان (عج) گردیده و به دعای حضرت زینب (س) و حضرت رقیه (س) همه سیئات و گناهانم به حسنات تبدیل گردد.»

■ **پشتیبانی از ولی‌فقیه**

یکی از خصوصیات بارز شهید نعمتی ولایتمداری و علاقه بسیارش به حضرت آقا بود. او همیشه خانواده را به پیروی و پشتیبانی از ولی فقیه سفارش می‌کرد و این موضوع در وصیتنامه‌اش هم بازتاب یافته بود. شهید نعمتی در بخشی از وصیتنامه‌اش نوشته بود: «از پدر و مادر عزیزم تشکر می‌کنم که با زحمات فراوان این عبد حقیر را در مسیر ولایت قرار داده و زمینه عاقبت بخیری‌ام را فراهم نمودند. اگر در این مدت فرزند خوبی برای شما نبودم عذر می‌خواهم و امیدوارم این فرزند خود را حلال بفرمایید. از همسر گرامی و دختر دلبندم که زمینه حضور بنده در میدان جهاد را فراهم نمودند، سپاسگزارم. اگر در این مدت همسر و پدر خوبی نبودم، پوزش می‌طلبم و امیدوارم شما با حجاب و عفتتان ادامه‌دهنده راه شهیدان باشید. به خواهر و برادران خود وصیت می‌کنم پشتیبان ولایت فقیه باشید و به فرامین ولی امر مسلمین جهان عمل نمایید.»

■ **دیدار با حاج اسماعیل دولابی!**

شهید نعمتی از مریدان مرحوم حاج اسماعیل دولابی بود و پای جلسات ایشان می‌نشست. این حضور باعث تقویت روحی و معنوی شهید شده و زندگی‌اش را تحت تأثیر قرار داده بود. آن قدر که مهدی حتی در وصیتنامه‌اش هم دیدار با مرحوم دولابی و توجه ایشان به شهید را آورده بود.

شهید در وصیتنامه‌اش می‌نویسد: «در ایام جوانی روزی خدمت مرحوم حاج اسماعیل دولابی رسیدم و ایشان به بنده فرمودند «راه باز کن تا خدا برایت راه باز کند»، این سخن ایشان همواره مد نظر بنده بوده است و اگر خداوند توفیق حضور در صحنه جهاد را به حقیر داده، به این سبب بوده است.»

در واقع شهید نعمتی خودش اذعان می‌کند ماندن در مسیر حق و جهاد در این مسیر را مدیون خدمت به خلق است. گشودن گره از کار دیگران، همیشه سرلوحه امور ایشان بود. در هر سمتی که خدمت می‌کرد، این توجه به گره‌گشایی و باز کردن راه مردم را مدنظر داشت. به عنوان نمونه عرض می‌کنم وقتی به فراجا مأمور شد، در بحث گذرنامه اربعین چون خودش هم عاشق و شیفته امام‌حسین(ع) و سفر معنوی اربعین بود، کار مردم را راه می‌انداخت. در صدور گذرنامه اربعین توجه خاصی داشت. اگر کسی کارش گیر می‌کرد و نمی‌توانست گذرنامه اربعین بگیرد، کافی بود با آقا مهدی تماس بگیرد و ایشان سریع کارش را راه می‌انداخت. این توجه به دیگران و رسیدگی به امور مؤمنان تا پایان عمر زمینی شهید نعمتی دیده می‌شود. چند روز قبل از شهادت برادرم، من و یکی دیگر از برادرهایم همزمان عمل جراحی داشتیم که شهید کارهای ما را انجام داد. وقتی من عمل کردم، ۴۸ ساعت تمام در بیمارستان پیش من ماند. اتفاقاً چهار روز قبل از شهادتش بود. این آخرین باری بود که کمک آقا مهدی را در زندگی‌مان احساس می‌کردیم.

> شهید مهدی نعمتی در وصیتنامه‌اش می‌نویسد: «در ایام جوانی روزی خدمت مرحوم حاج اسماعیل دولابی رسیدم و ایشان به بنده فرمودند «راه باز کن تا خدا برایت راه باز کند»، این سخن ایشان همواره مد نظر بنده بوده است و اگر خداوند توفیق حضور در صحنه جهاد را به حقیر داده، به این سبب بوده است.»

■ **دستگیر مؤمن باشید**

توجه به امور مردم و مؤمنان را در واقع باید نکته درخشان زندگی شهید نعمتی بدانیم. تا آنجا که راهگشایی از دیگران و دستگیری از مؤمنان چند بار در وصیتنامه ایشان بازتاب یافته است. شهید نعمتی در بخش دیگری از وصیتنامه‌اش می‌نویسد: «سعی نمایید دستگیر برادران مؤمن یکدیگر باشید که دعای یک نفر می‌تواند گرهگشای زندگی انسان باشد. هیچ‌گاه امید خود را به عفو و رحمت الهی از دست ندهید که حساب و کتاب خداوند با ما انسان‌های گناهکار فرق می‌کند و اگر از سر اخلاص به درگاه الهی روی آوریم، مورد عفو و رحمت الهی قرار می‌گیریم.»

این وصیتنامه یک مدافع حرم که بعدها مدافع امنیت و اقتدار کشور می‌شود، نمونه‌ای از ایمان و اعتقاد جوانان ایرانی را نشان می‌دهد که هر وقت کشور و ارزش‌هایشان را در خطر ببینند، لباس رزم برتن می‌کنند و به میدان نبرد می‌روند. شهید نعمتی یک روز به سوریه رفت و آنجا جنگید و روز دیگر به رغم خطر بمباران دشمن تا آخرین لحظه پشت میز خدمتش ماند و همانجا به شهادت رسید. مهدی در پایان وصیتنامه‌اش می‌نویسد: «در پایان از همه برادران و خواهران عاجزانه طلب عفو و بخشش داشته و امیدوارم اگر حقی از آنها را زائل نموده‌ام به حرمت خون حضرت اباعبدالله الحسین (ع) حلالم نمایند. پدر و مادر گرامی و همسر عزیزم و فرزند مهربانم، اگر خواستید برای من گریه کنید روضه حضرت اباعبدالله (ع) را بگیرید و بدانید که من در تمامی صحنه‌های نبرد از یاد شما غافل نبوده‌ام.

مهدی نعمتی نهم شهریورماه ۱۳۹۶»

■ **ماند تا خدمتش کامل شود**

شهید نعمتی چند بار به جبهه دفاع از حرم اعزام شد و هر بار امکان داشت به شهادت برسد. سال‌ها قبل نیز وقتی تازه وارد سپاه شده بود و حدوداً ۲۰ سال داشت، یک نیمه شعبان نذری شیرینی مادرم را برداشت تا با موتور برای دوستانش ببرد. شب بود و بین راه روی دست‌اندازی به زمین افتاد و سرش آسیب جدی دید. او را به بیمارستان بعثت رساندند. آن شب وقتی من او را در بیمارستان دیدم، از گوش‌هایش خون می‌آمد و علائم خونریزی مغزی داشت. وخامت حالش باعث شد او را به بیمارستان بقیه‌الله اعزام کنند. برادرم از این حادثه به شکل معجزه‌آسایی نجات پیدا کرد و بعد همان طور که عرض کردم چندین بار به سوریه اعزام شد. اما در هیچ کدام از این وقایع آسیب چندانی به او نرسید. انگار خواست خدا بود تا بماند و شهید جنگ با رژیم صهیونیستی شود. شهید آوینی می‌گوید شهادت لباس تک سایزی است که آدم باید خودش را هم اندازه این لباس کند. به نظر من مهدی رفته‌رفته آن‌قدر به پختگی و بلوغ رسید که خودش را به اندازه لباس شهادت کرد و با پوشیدن آن با عاقبت بخیری دنیا را ترک کرد.

> زمانی که جنگ با داعش و گروه‌های تروریستی در سوریه به اوج رسیده بود، شهید نعمتی چند بار به آنجا اعزام شد. او وصیتنامه خود را قبل از یکی از همین اعزام‌ها نوشته بود. ابتدا هم ذکر کرده بود قبل از «اعزام مجدد» این وصیتنامه را می‌نویسد؛ در سحرگاه روز پرفیض عرفه که شهید نعمتی به گرامیداشت این روز و شرکت در دعای عرفه توجه زیادی داشت

■ علیرضا محمدی

شهید مهدی نعمتی از شهدای تجاوز نظامی امریکا و رژیم صهیونیستی به کشورمان است که روز دوم تیرماه در حمله دشمن به ستاد فرماندهی فراجا به شهادت رسید. درباره شهید نعمتی پیشتر مطلبی در روزنامه جوان منتشر کرده بودیم اما انتشار وصیتنامه این شهید پیش از اعزامش به سوریه برای دفاع از حرم، فرصتی پیش آورد تا با مرور این وصیتنامه درباره ثبات قدم شهید نعمتی و دیگر شهدای ایران اسلامی در پیمودن مسیر اعتقادی‌شان بیشتر بپردازیم. آقا مهدی نمونه‌ای از یک جوان ایرانی است که هرجا احساس کند کشور، اعتقادات و ارزش‌های معنوی‌اش به خطر افتاده است، قد راست می‌کند و برای دفع فتنه پیشقدم می‌شود. چه کیلومترها دورتر در سوریه باشد یا در قلب تهران و در آغوش کشیدن شهادت پشت میز خدمت... مروری بر وصیتنامه معنوی شهید مهدی نعمتی را از زبان برادرش مجید نعمتی پیش‌رو دارید.

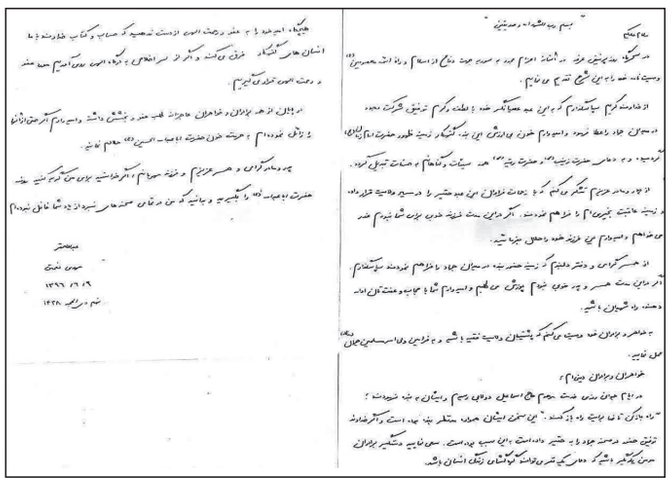

تصویری از وصیتنامه شهید پیش از اعزام به سوریه

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۴۸۶

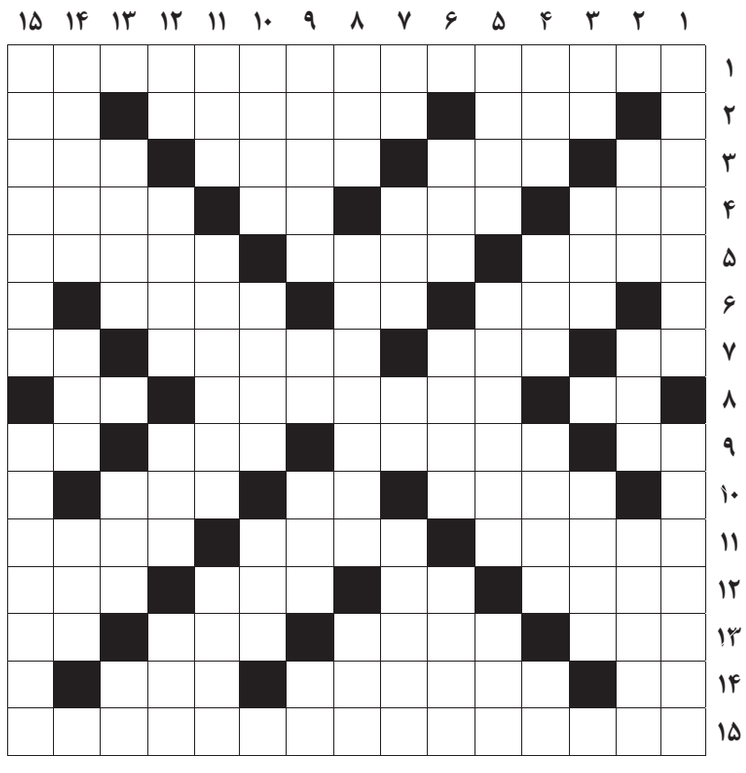

از راست به چپ

■ ۱ـ ادیب، منشی و شاعر دوره قاجار که در باغ نگارستان کشته شد ■ ۲- گردنبند اسارت- ماهر در دعوا- ضمیر بی حضور ■ ۳ـ بندگی- شکاف و ترک- پایتخت شاهرخ تیموری- دشت و صحرا ■ ۴ـ رد پا- شیرینی تولد- دشنام- مهاجم سال‌های دور فوتبال ایتالیا ■ ۵- ماهی‌فروش- تخلص ایرج میرزا- خوردنی ■ ۶- قله زاگرس- برکت و فزونی نعمت- جنس ■ ۷ـ برگ برنده- گناه- پوشیده و پنهان- هنوز انگلیسی ■ ۸ـ بنده خانه‌زاد- رمان مارک تواین- ریه ■ ۹- مساوی- ناگهانی- دامنه کوه- بند دست ■ ۱۰ـ موجودیت- چوب خوشبو- جست‌وجوی اینترنتی ■ ۱۱ـ پایتخت فرهنگی پاکستان- باران منجمد- الفبای نابینایان ■ ۱۲ -از خدایان مصری- انکرالاصوات- نظرات- دهل ■ ۱۳ـ ارزش؛ اعتبار- هریسه- صدای رعد- تن‌پوش مردانه ■ ۱۴ -آش- نوعی کلم- خوب و زیبا ■ ۱۵ـ رفتاری مخالف و ناسازگار از خود نشان دادن

از بالا به پایین

■ ۱- نوعی آلبالو- بسیار فقیر و بی چیز ■ ۲ـ نماینده قانونی- جهنم- کمک ■ ۳ـ تکرار حرف آخر- توشه، خوراک- درخت بومی حاشیه خلیج فارس ■ ۴- مظهر نرمی- گیاه گونی- شتر تندرو- شامه نواز ■ ۵- گودال- محکم نظامی- بانگ و آواز مهیب ■ ۶ـ زینت- شاه مغولی- پاکی و سادگی ■ ۷- حرف خطاب- اسب قهوه‌ای رنگ- ترش و شیرین- پارچه کشباف ■ ۸ـ بلدالامین- از گیاهان طبی که عوارض ناشی از دیابت را کاهش می‌دهد- سازمان بزرگ جهانی ■ ۹ـ لیست- علامت جمع- زنگ و جرس- عنصر شیمیایی ■ ۱۰ـ از آلات موسیقی قدیمی- نوشیدنی ترش و گازدار که از تخمیر شیر به دست می آید- واحد مسافت دریایی ■ ۱۱ـ گاز نیتروژن- قالب ریخته گری- شهری در لرستان ■ ۱۲ـ نفس خسته- اندام تعادلی ماهی- باختر- مقابل و نزد ■ ۱۳- پایتخت بنگلادش- ریم- تلخ ■ ۱۴ـ از وزرای دفاع شهید- سنگ سبز قیمتی- سیخ نانوایی ■ ۱۵- سبک‌ترین عنصر شیمیایی- کاخ پادشاهان صفوی در اصفهان و قزوین

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۷	۶			۱				۳
					۳	۱		۵
	۵	۳		۴				
۸		۵						
			۹		۶			
						۸		۷
						۳		۱
۲		۴			۷			
			۶		۲			

جدول کلمات متقاطع
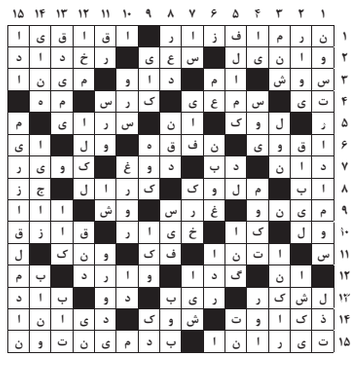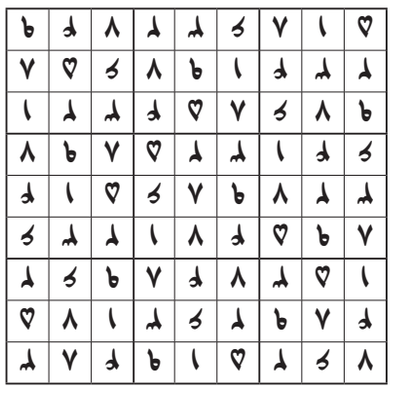
پاسخ جدول شماره ۷۴۸۵